

تحلیل جامعه‌شناختی ناسزاگویی در گفتار به مثابه یک پاد فرهنگ

«پژوهشی در سطح شهر رشت»

مریم ضمیری بلسینه^۱

نادر افقی^۲

فردین علیخواه^۳

چکیده

در سال‌های اخیر شاهد نوعی آنومی اخلاقی در سطوح مختلف جامعه و مبدل شدن آن به نوعی ناسزاگویی اخلاقی در سطح عمومی جامعه هستیم. در فرایند این تغییر و تحول، یکی از شیوه‌هایی که به مراتب کاربرد آن نیز افزایش یافته است، مقاومت فرهنگی است. یکی از نشانه‌های مقاومت فرهنگی ناسزاگویی و بدزبانی و افزایش خشونت در گفتار است. در این پژوهش از نظریه بوردیو (برای متغیر جهانی شدن) استفاده شده است. از کاکس (برای متغیر اعتماد اجتماعی) و رابرتسون و گیدنز (برای متغیر جهانی شدن) استفاده شده است. از این حیث، هدف پژوهش حاضر، تحلیل جامعه‌شناختی و ارائه‌ی نشانه‌های افزایش ناسزاگویی در گفتار است. با توجه به هدف ذکر شده، نوع روش تحقیق، روش کمی (پیمایشی) است. که در بین ۳۸۴ نفر از جوانان سطح شهر رشت، با استفاده از فرمول کوکران و روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای تصادفی به‌عنوان نمونه پژوهش انتخاب شده‌اند. نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد که عوامل اجتماعی و فرهنگی به ترتیب شامل متغیرهای اعتماد اجتماعی، جهانی‌شدن فرهنگی و سرمایه فرهنگی توانسته‌اند ۰/۲۴ درصد و عوامل فردی به ترتیب شامل پایگاه اقتصادی و اجتماعی، وضعیت تأهل، سن و جنسیت توانسته‌اند، ۰/۲۲ از واریانس ناسزاگویی در گفتار پاسخگویان را پیش‌بینی نمایند.

کلید واژه‌ها: اعتماد اجتماعی، جهانی‌شدن فرهنگی، جوانان، سرمایه فرهنگی، ناسزاگویی.

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد، جامعه‌شناسی، دانشگاه گیلان، m.zamiri1360@gmail.com

^۲ استادیار جامعه‌شناسی، دانشگاه گیلان، نویسنده مسئول، naderofoghi@gmail.com

^۳ استادیار جامعه‌شناسی، دانشگاه گیلان، faralikhah@gmail.com

۱- مقدمه و بیان مساله

مسائل اجتماعی جوانان ایران، هم‌گام با پدیده جهانی‌شدن و رخداد‌های اجتماعی و اقتصادی دستخوش دگرگونی شده است. جوانان امروز از لحاظ کنش‌های اجتماعی با نسل‌های دیگر متفاوت هستند، جهان امروز در معرض بزرگ‌ترین تحولات تاریخ بشر قرار دارد؛ دگرگونی‌هایی که فرصت هنجاری شدن و انطباق با شرایط جدید را محدود کرده و در بسیاری از موارد، امکان تصمیم‌گیری مناسب را فراهم نمی‌آورد. شتاب چنین دگرگونی‌هایی در کشورهای در حال توسعه به‌طور سرنوشت‌ساز بر شکل‌گیری و تشدید مشکلات اجتماعی افراد جامعه، به‌خصوص جوانان تأثیر گذاشته است (شیانی و محمدی، ۱۳۸۶: ۳۷-۱۱). این دگرگونی‌ها در زمینه‌های مختلف زندگی فردی تأثیرگذار بوده و در بستر اجتماعی افراد نفوذ کرده است. به نظر می‌رسد یکی از این اثرات در گفتار و محاوره‌های روزمره افراد و تمایل به بدزبانی به مثابه یک پاد فرهنگ باشد. پاد فرهنگ به دنبال یک نو‌سنجیدن اساسی اخلاق، سبک زندگی متناوب و حتی تحولاتی در آگاهی است؛ نشان‌دهنده اعتراض به فرهنگ و نظام‌های اجتماعی ست و در قالب قدرت و مقاومت خود را نشان می‌دهد. مقاومت مفهومی هنجاری است که با موفقیت و به‌صورت استراتژیک در مقابل استاندارد هنجاری، اندازه‌گیری می‌شود، مقاومت، نشان‌دهنده کنش نیست، بلکه مقوله‌ای برای داوری درباره کنش است (بارکر، کرین، ۱۳۹۱: ۷۲۴-۷۲۵). جوانان بیش از هر گروه اجتماعی دیگری از این فرایند تأثیر می‌پذیرند. گروهی که وجه مشخصه آن‌ها باورها، ارزش‌ها و هنجارهای خاص در مقابل فرهنگ مسلط یا نظم اجتماعی حاکم است و این ویژگی‌ها خود را در سبک، ذائقه، کنش و گفتار نشان می‌دهد. (شهابی، ۱۳۸۲: ۶). رفتار جوانان به‌عنوان کنشگران فعال حوزه عمومی از مسائلی است که در فرهنگ عمومی واجد اهمیت است.

در سال‌های اخیر شاهد نوعی آنومی اخلاقی در سطوح مختلف جامعه و مبدل شدن آن به نوعی ناسازگاری اخلاقی در سطح عمومی جامعه هستیم. در فرایند این تغییر و

تحول، یکی از شیوه‌هایی که به مراتب کاربرد آن نیز افزایش یافته است، مقاومت فرهنگی است. مقاومت فرهنگی یکی از شیوه‌هایی است که قشر جوان از طریق آن می‌تواند ناسازگاری و مخالفت خود را با ساختار اجتماعی نشان دهد و یکی از مصادیق مقاومت فرهنگی ناسزاگویی و بدزبانی و افزایش خشونت در گفتار است که امروزه بعنوان یکی از نابهنجاری‌های اجتماعی که در جامعه بسیار رواج یافته و به صورت پدیده‌ای در همه جا حتی در میان کودکان و نوجوانان بروز پیدا کرده است، که شامل: توهین، دشنام، وقاحت، تمسخر، تکیه کلام‌ها یا متلک، کلمات مستهجن، تکیه کلام‌ها، هرزگی در بیان، دست انداختن یا به سخره گرفتن لهجه یا گویش خاصی می‌شود.

در واقع ناهنجاری بددهنی و فحاشی در جامعه ما افزایش یافته است، مردم با صدای بلند به روی همدیگر فریاد می‌زنند و الفاظ رکیکی به زبان می‌آورند، در شوخی‌ها و دور همی‌ها هم برای شوخی و خنده بددهنی و فحاشی بسیار رایج شده، به طوری گاهی دشنام‌های ناموسی به همدیگر می‌دهند و می‌خندند که قابل تامل است. گسترش فرهنگ دشنام در جامعه افزون بر نشانه جهل، کم‌سوادی و نافرهیختگی جامعه، نشانه انحطاط فرهنگی در جامعه نیز است؛ زیرا دشنام‌گویی نشانه خوب و مثبتی در جامعه نیست که بزودی آثار آن در فروپاشی اجتماعی و ایجاد تضاد و درگیری‌ها خود را نشان می‌دهد و موجب بروز خشونت در جامعه می‌گردد و گسترش و تداوم آن شرایط اجتماعی جامعه را بحرانی‌تر می‌سازد. دشنام به عنوان فرهنگ عمومی، سبب فساد و به ابتذال کشیده شدن زبان رسمی کشور می‌شود به گونه‌ای که واژه‌های اصیل، رسا و گوش‌نواز به فراموشی سپرده شده و واژه‌های رکیک، عامیانه و دشنام‌ها جای آن‌ها را پر می‌کنند. از همین منظر است که این پژوهش در پی این است که عوامل دخیل در شیوع و گسترش این ناهنجاری را از طریق مفاهیمی چون جهانی شدن فرهنگی، سرمایه فرهنگی و اعتماد اجتماعی مورد توصیف و تبیین قرار دهد. از این حیث، پژوهش حاضر درصدد بررسی و تحلیل جامعه‌شناسانه افزایش ناسزاگویی و بدزبانی به عنوان یکی از مصادیق رفتارهای تکرارشونده در میان اقشار

مختلف به‌ویژه جوانان، از منظر جامعه‌شناسی ناسزاگویی در گفتار است؛ به عبارتی در این پژوهش سعی بر این است که نقش عوامل (جهانی‌شدن فرهنگی، اعتماد اجتماعی، سرمایه فرهنگی و متغیرهای زمینه‌ای) مرتبط با افزایش ناسزاگویی در گفتار و دلایل آن را در بین جوانان مورد تفحص و واکاوی قرار دهد؛ و به این سؤال اساسی پاسخ دهد که چرا فرهنگ ناسزاگویی در بین اقشار مختلف جامعه به‌ویژه جوانان جاافتاده و رایج شده است؟

لذا در این پژوهش کوشش بر این است که به تحلیل جامعه‌شناختی و ارائه‌ی نشانه‌های افزایش پدیده‌ی ناسزاگویی در گفتار و به تبیین رابطه بین جهانی‌شدن فرهنگی، رابطه اعتماد اجتماعی (بین شخصی، بنیادی و نهادی)، سرمایه فرهنگی (تجسیدی، عینی و نمادین)، استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی، متغیرهای زمینه‌ای، پایگاه اجتماعی اقتصادی با افزایش ناسزاگویی در گفتار پرداخته شود.

لذا پاسخگویی به پرسش‌های زیر مسأله اساسی پژوهش حاضر است:

– چرا فرهنگ ناسزاگویی در بین اقشار جامعه، بخصوص جوانان رواج یافته است؟

– آیا پدیده ناسزاگویی در گفتار، یک نوع بحران هویت فرهنگی است؟

– چه عوامل و زمینه‌هایی باعث تغییر در گفتار و رفتار، بخصوص جوانان می‌شود؟

– خاستگاه‌ها و زمینه‌های بروز ناسزاگویی در گفتار کدام‌ند؟

– آیا باوجود ناسزاگویی در گفتار می‌توان آن را به‌عنوان یک‌خرده فرهنگ متمایز بشمار

آورد؟

– آیا ناسزاگویی در گفتار، جلوه‌ای از پذیرش جنبه‌هایی از یک شیوه زندگی متفاوت است؟

جهانی شدن با سرعتی روزافزون در حال درنوردیدن عرصه‌های مختلف زندگی است و با انتشار ارزش‌های نو نقش بسزایی در شکل‌گیری فرهنگ و سرمایه‌های فرهنگی افراد علی‌الخصوص نوع تعاملات اجتماعی جوانان داشته است؛ چراکه فرهنگ و مؤلفه‌های آن منشأ تحولات گوناگونی را در تعاملات روزمره افراد فراهم می‌سازد. لذا در مبانی نظری این پژوهش نخست به بررسی پیشینه‌های پژوهش پرداخته میشود و سپس با طرح دیدگاهها و نظریه‌های مرتبط با جهانی شدن فرهنگی، سرمایه فرهنگی و اعتماد اجتماعی، به تبیین رابطه ابعاد مختلف این مصادیق و پدیده ناسزاگویی در جوانان پرداخته می‌شود، و در نهایت به فرضیه‌های پژوهش اشاره می‌شود.

۲-۱- پیشینه‌ی پژوهش

بررسی تحقیقات انجام‌شده پیرامون موضوع و مسئله‌ی تحقیق به گسترش آگاهی محقق کمک می‌کند؛ تا بتواند در پرتو اطلاعات به‌دست‌آمده، مسئله تحقیق خود را روش‌تر سازد و به ارتباط منطقی میان اطلاعات پژوهش‌های قبلی با مسئله تحقیق خود دست یابد. با توجه به بررسی‌های صورت گرفته، تحقیق‌های انجام‌شده در ایران در مورد بررسی خشونت زیاد می‌باشند ولی تحقیقاتی که به خشونت کلامی یا به عبارتی ناسزاگویی در گفتار با محوریت خاص موضوع تحقیق پرداخته باشند؛ بسیار اندک می‌باشد. در بخش تحقیقات خارجی باید گفت که تحقیقات تقریباً خوبی در زمینه مورد بررسی انجام‌شده‌اند؛ و ناسزاگویی را از زوایای مختلف مورد کنکاش قرار داده‌اند. از این‌رو، در این بخش ابتدا مروری بر پژوهش‌های داخلی و سپس مروری بر پژوهش‌های خارجی پیرامون موضوع اشاره می‌شود.

۲-۱-۱- پژوهش‌های داخلی

در برخی پژوهش‌ها موضوع خشونت کلامی بررسی شده است و رابطه این مفهوم با عوامل بوجود آورنده آن تحلیل شده است. دو پژوهش داخلی که در سال‌های اخیر

صورت پذیرفته است نشان می‌دهد که شرایط اجتماعی، فرهنگی و فردی در بروز و گسترش این رفتار انسانی موثر هستند. بازرگان و همکاران در سال (۱۳۸۲) در پژوهشی با عنوان «بررسی وضعیت خشونت کلامی در مدارس راهنمایی شهر تهران، به بررسی خشونت کلامی از نظر معلمان و دانش آموزان مدارس راهنمایی پرداخته‌اند. و نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد که خشونت کلامی به صورت فحش و ناسزاگویی، تهمت و برچسب زدن به یکدیگر و توهین و تمسخر دیگری، امری رایج در مدارس راهنمایی شهر تهران است. و خشونت کلامی نه تنها در میان دانش آموزان بلکه معلمان و سایر مسئولان مدرسه این رفتار را در مقابل دانش آموزان از خود نشان می‌دهند. علت خشونت کلامی در بین دانش آموزان، فضای آموزشی نامناسب، ارتباطات نامطلوب در مدرسه و حجم زیاد کتب درسی، عوامل خارج از مدرسه تشخیص داده شد. ولی علت خشونت کلامی در بین معلمان از نظر دانش آموزان، عدم علاقه و انگیزه معلم به حرفه معلمی و تدریس بیان شده است. کریمی در سال (۱۳۹۰) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی انواع خشونت کلامی و عوامل پدیدآورنده آن از نظر دانش آموزان و معلمان»، انواع خشونت کلامی را از نظر دانش آموزان و معلمان در شهر رشت را مورد بررسی قرار داده است. نتایج حاصل از مطالعه نشان می‌دهد که خشونت کلامی در مدارس پسرانه و معلمان مرد بیشتر است. از دید معلمان شرایط خانوادگی و اجتماعی عامل به وجود آمدن خشونت کلامی است در حالی که از نظر دانش آموزان، حجم زیاد دروس، افت تحصیلی، شرایط فرهنگی مدارس و ... را از عوامل رواج خشونت کلامی می‌دانند.

۲-۱-۲- پژوهش‌های خارجی

راسین و موریس (۲۰۰۵) در پژوهش خود با عنوان چرا زنان ناسزا می‌گویند؟ شناسایی علل خودکارآمدی ادراک شده در استفاده از زبان دشنام در بین دانش‌جویان زن اتریشی، را مورد بررسی قرار داده‌اند. و یافته‌ها حاکی از آن است که احساسات منفی، احساسات مثبت، پرخاشگری، شوکه شدن و به بدزبانی عادت کردن از مهم‌ترین علل شیوع ناسزاگویی در

بین دانشجویان است. تحقیق مهم دیگر توسط جانسون و لويس (۲۰۱۰)، تحت عنوان ادراک ناسزاگویی در محیط‌های کاری: تئوری خشونت مورد انتظار، به تبیین علت اصلی ناسزاگویی در محیط‌های کاری پرداخته‌اند. نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد که ارتباط معناداری بین جنسیت کارکنان و استفاده از زبان دشنام وجود دارد. همچنین بین منزلت کارکنان در محیط شغلی و تمایل به ناسزاگویی همبستگی معناداری وجود دارد. همچنین تفاوت معناداری بین جایگاه اجتماعی و شغلی و مواجهه با ناسزا وجود دارد. در پیمایشی دیگر که توسط مباشرنیا و همکاران (شریفیان ثانی) (۲۰۱۲)، با عنوان «تأثیر عوامل زبان‌شناختی، روان‌شناختی و اجتماعی در ناسزاگویی به‌وسیله دانشجویان»، به بررسی نقش عوامل زبان‌شناختی، روان‌شناختی و اجتماعی در ناسزاگویی دانشجویان پرداخته‌اند. نتایج این پژوهش حاکی از آن است که سطح تحصیلات والدین، میزان وقت سپری‌شده در گیم نت، خیابان، کافه، جامعه‌پذیری در گروه دوستان تأثیر معناداری بر استفاده از زبان دشنام در بین دانشجویان دارد. وینگرهوتس و همکاران (۲۰۱۳)، در پژوهش خود با عنوان ناسزاگویی: رویکردی زیستی، روان‌شناختی و اجتماعی، نشان داده‌اند که در بعد زیستی و روان‌شناختی، ناسزاگویی منجر به کاهش استرس و خشم درونی افراد می‌گردد. در بعدی دیگر از نظر اجتماعی ناسزاگویی منجر به کسب اعتبار، استقامت ادراک‌شده از سوی ناسزاگویان می‌گردد. در بعدی دیگر، ناسزاگویی منجر به بهبود جایگاه فرد در گروه می‌گردد. بنا بر نتایج تحقیق آلموتاق (۲۰۱۳)، با عنوان مطالعه زبان‌شناسی اجتماعی دشنام در بین عرب‌زبانان اردنی؛ تعهد مذهبی، تحصیلات، منزلت اجتماعی و جایگاه‌های اجتماعی که پاسخگویان در آن حضور می‌یابند از مهم‌ترین همبسته‌های ناسزاگویی در بین پاسخگویان هستند. کاروستلینا (۲۰۱۴)، در پژوهش خود با عنوان ناسزاگویی‌های درون‌گروهی: رویکرد هویت اجتماعی، به این نتیجه رسید که اشکال متنوعی از ناسزاگویی مانند (ناسزاگویی هویتی، فرافکن، تمایز بخش، نسبی، قدرت بخش، مشروعیت بخش)، بسته به جایگاه‌های اجتماعی افراد (منطبق با هویت اجتماعی) پدیدار می‌گردد. نی فانی

(۲۰۱۴)، در پژوهش خود با عنوان استفاده از دشنام‌های انگلیسی در بین جوانان چینی به این نتیجه رسید که عواملی چون عصبانیت، جنسیت (بیشتر مردان)، تأیید هویت، احساسات تحریک شده از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر بروز ناسزا در بین پاسخگویان است. سیمپسون و همکاران (۲۰۱۶)، در پژوهش خود با عنوان چرا مادران از کلمات زشت استفاده می‌کنند: تأثیر خانواده، همسالان و فراوانی ناسزاگویی، نشان دادند که محیط خانوادگی و گروه همسالان از مهم‌ترین همبسته‌های شیوع ناسزاگویی در بین مادران مورد مطالعه بوده است. در جمع بندی پیشینه‌های تحقیق میتوان به این نکته اشاره کرد، که ناسزاگویی متاثر از عوامل فرهنگی، اجتماعی و فردی بوده و به‌عنوان ابزاری استفاده می‌شود تا به فرهنگ مسلط، مرام، عقیده، دین، زبان (گویش)، قیافه، سلیقه افراد حمله کند که در این میان فرد دشنام دهنده در پی تضعیف شخص مقابل و سلطه نظر یا نمایش اقتدار خود است؛ زیرا زمانی که سخن از فرهنگ می‌شود، منظور تمام الگوهای قابل تشخیص فکری و رفتاری بر پایه اعتقادات، ارزش‌ها، عادت‌ها و رسوم است که تحت تأثیر عواملی به وجود می‌آید و به‌نوبه خود بر چیزهای دیگر تأثیر می‌گذارد. و حتی در بین برخی از اقشار و طبقات جامعه به‌صورت یک فرهنگ درمی‌آید، گویی ناسزاگویی، نه‌تنها امری ارزشی به‌حساب می‌آید بلکه چاشنی گفتگو نیز قلمداد می‌شود.

۲-۲- نظریه‌ها و دیدگاهها

در جهان معاصر جهت بررسی مسائل اجتماعی نمی‌توان به یک عامل بسنده کرد زیرا هم افراد و هم ساختارها به‌طور همگام بر روند تحولات تأثیر می‌گذارند. در این پژوهش نیز مسئله زبری، ناهنجاری‌های کلامی و به‌طور کلی شکسته شدن تابوهای کلامی، به‌عنوان یک کنش فرهنگی و یا بعبارت دیگر، ضد فرهنگی که دارای جنبه‌های مقاومتی نیز است، با توجه به موقعیت، هندسه، منطق و تجربه فرهنگ جهانی قابل درک و تبیین است. حال از آنجایی که نظریات جهانی شدن و ارتباط آن با فرهنگ، تبیینی ساختارگرایانه از تغییر تعاملات و کنش‌های افراد می‌دهند، در این پژوهش به‌منظور عدم تقلیل‌گرایی و رسیدن

به کفایت تبیینی، علاوه بر نظریات مربوط به جهانی شدن فرهنگی، سرمایه‌ی فرهنگی و آثار هویتی آن‌ها، اعتماد اجتماعی و ارتباط آن‌ها با مسئله ناسزاگویی پرداخته می‌شود.

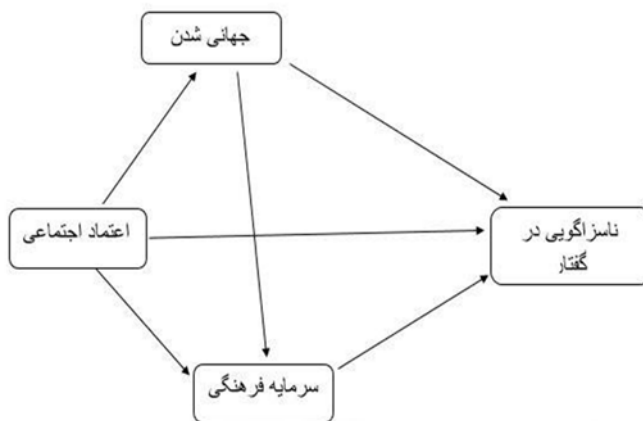
به اعتقاد بوردیو (۱۹۹۱) کنش‌های اجتماعی هر کنشگری متأثر از انواع سرمایه‌ها بخصوص سرمایه فرهنگی است و منشأ بیماری‌های اجتماعی مانند انواع خشونت‌های فیزیکی و کلامی را باید در نابرابری‌های افراد در سرمایه (اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی) جست؛ چراکه زمینه‌ساز شکل‌گیری روابط اجتماعی مختلف در بین گروه‌های اجتماعی مختلف می‌گردد و این نوع روابط می‌تواند به فرد، سلیقه، ادب در گفتار و شیوه‌هایی بیاموزد که فرد را به منزلت خاصی نزدیک سازد. به نظر بوردیو، انتخاب راهکارهای سرمایه‌گذاری فرهنگی مناسب، در خانواده نقش مهمی در فراگیری بهتر آموزش و در نتیجه کیفیت فرهنگ کلامی و تعاملات اجتماعی افراد دارد (لین، ۲۰۱۲). در واقع تفاوت در سرمایه‌های افراد، سلیقه‌ها و ترجیحات متفاوتی در نوع رفتار و گفتارشان ایجاد می‌کند و نوع گفتار و تعاملات اجتماعی در شکل‌گیری و تکامل شخصیت نوجوانان و جوانان نقش مهم و مؤثری ایفا می‌کند. از منظر بوردیو سرمایه فرهنگی و اقتصادی خانواده بر رفتارها، ترجیحات و نگرش‌ها، انگیزه‌های رفتاری انحرافی مانند به‌کارگیری الفاظ ناشایست و زشت، توهین به دیگران و انحرافات جنسی و ... تأثیر می‌گذارد (مجدی و همکاران، ۱۳۸۹). در واقع فضا و موقعیتی که هر فرد در آن رشد می‌کند در طی فرایند جامعه‌پذیری در فرد درونی می‌شود و سرمایه فرهنگی بازنمای جمع نیروهای غیراقتصادی مثل زمینه خانوادگی، طبقه اجتماعی، سرمایه‌گذاری‌های گوناگون و تعهدات نسب به تعلیم و تربیت، منابع مختلف و مانند آن‌ها که بر موقعیت دانشگاهی (علمی و تحصیلی) تأثیر می‌گذارد که جنبه‌های مقاومتی این مسئله در برابر هنجار مسلط خود را در قالب شکستن تابوهای کلامی نشان می‌دهند. در حقیقت اثر فحاشی و ناسزاگویی به همراه عصاره‌ی پاد فرهنگی آن به حدی است که حذف آن را از زندگی غیرممکن می‌سازد.

تعاملات کلامی این‌چنینی را در روابط اجتماعی می‌توان در بستر یکی دیگر از مفاهیم این تحقیق یعنی "اعتماد" به‌عنوان یکی از سازه‌های اصلی سرمایه اجتماعی و اصول اولیه زندگی اجتماعی، جستجو کرد. در واقع اهمیت اعتماد به‌عنوان یک سرمایه اجتماعی پراهمیت در پیوندها و کنش‌های اجتماعی به‌گونه‌ای است که می‌توان آن را زمینه اصلی گسترش تعامل در ابعاد مختلف جامعه عنوان کرد. هر چه میزان سرمایه اجتماعی کمتر باشد میزان پابندی به ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی کمتر می‌شود (کارکنان نصرآبادی و همکاران، ۱۳۹۱) و در نتیجه باعث ایجاد ناهنجارهای اخلاقی و رفتاری می‌شود. فرانسیس فوکویاما در باب اهمیت اعتماد اجتماعی تأکید می‌کند که افزایش سطح بی‌اعتمادی در جامعه، کاهش سطح تعهدات اجتماعی، پایین آمدن میزان مشارکت‌های اجتماعی و افزایش آسیب‌های اجتماعی را به دنبال دارد (وحیدا و دیگران، ۱۳۸۲). از دید او ارزش‌ها و هنجارهایی که زمینه تعاملات اخلاقی را بین کنشگران فراهم می‌کند شامل سجایایی از قبیل صداقت، ادای تعهدات و ارتباطات دوجانبه است (فوکویاما، ۱۳۷۹: ۱۰)؛ که شامل هنجارها و ارزش‌هایی است که ناشی از وجود جامعه‌ای صادق، بارو حیه تعاون و بر پایه تقسیم ارزش‌ها در بین اعضای جامعه است (فوکویاما، ۱۹۹۵). ایوا کاکس (Cox. A) با تکیه بر عامل "اعتماد" به‌عنوان شاخص سرمایه اجتماعی خاطر نشان می‌سازد که در صورت وجود اعتماد میان افراد و اجتماعات، روابط اعضای خانواده، دوستان، همسایگان، همکاران و اجتماعات مؤثرتر خواهد بود. در صورتی که بی‌اعتمادی، مسائلی چون هرز گفتاری، پیروی نکردن از قوانین، رفتارهای ضد اجتماعی، جرم، خودکشی، خشونت و سایر مسائل اجتماعی را به همراه خواهد داشت (همان، ۸۹). به عقیده کاکس، شرط اساسی برای یک جامعه سالم، اعتماد اجتماعی متقابل بین اعضا است. در نتیجه تبلور اعتماد در سطوح مختلف، سرمایه اجتماعی افزایش یافته و مشکلات اخلاقی در تعاملات اجتماعی کاهش می‌یابد (شریفیان ثانی، ۱۳۸۰). طبق نظریات مطرح شده؛ مشارکت‌های اجتماعی، تعاملات فردی در سایه اعتماد نقش مهمی در رعایت هنجارهای کلامی دارد، هرزگی در گفتار،

بروز رفتارهای ضداجتماعی، انواع ناهنجاری‌ها، خشونت و... برخاسته از بی‌اعتمادی است. اعتماد اجتماعی و تعلق مطمئن در سایه‌ی ادبیات و فرهنگ تعامل، ما را به سمت مفهوم دیگر این تحقیق یعنی بحث جهانی شدن فرهنگی هدایت می‌کند.

به نظر می‌رسد جهانی شدن بیشترین تأثیرش را از طریق تزریق خون فرهنگی جدید بر عناصر کلامی و ادبیات گذاشته باشد. فرهنگ کلامی نزد جوانان در گروه‌های مختلف به‌عنوان قشری که بیشترین ارتباط را از فرهنگ و رسانه‌های جهانی دریافت می‌کنند، به‌شدت تحت تأثیر جریان جهانی شدن است؛ ارائه پل‌های جدید ارتباطی و رسانه‌ای به‌عنوان ارائه‌دهنده‌ی عناصر فرهنگی جدید بر نوع تعاملات گفتاری تأثیر گذاشته است و تیپ‌های جدیدی ادبی و کلامی را گسترش داده‌اند (داس، ۲۰۱۱). به عقیده‌ی رابرتسون (۱۹۹۹) جهانی شدن فرهنگی از طریق فشردگی، همگونی، در هم تنیدگی و وابستگی متقابل که از طریق ماهیت نظام سرمایه‌داری و منطق انباشت و به‌ویژه فناوری‌های ارتباطی ممکن می‌شود، انتقال صدا، تصویر، اطلاعات و... را در هر شکلی میسر و امکان‌پذیر می‌سازد و آگاهی شکل‌گرفته از این مسیر بر اطلاعات افراد افزوده و در نتیجه بر شخصیت، نوع تعاملات، تغذیه، سبک زندگی، عادت‌ها، هویت، گفتار و زبان و... تأثیر می‌گذارد. مبانی تحلیلی طرفداران فرهنگ جهانی، بر این اصل مبتنی است که رشد فزاینده فناوری و وسایل ارتباط جمعی، اینترنت و ماهواره، موجب فشردگی زمان-مکان و نزدیکی فرهنگ کشورها شده است (گیدنز، ۱۳۸۰) و از این طریق یک فرهنگ مسلط در جهان تشکیل داده است و پیامد آن روندی شده است که بر مفاهیم و اعتقادات، علایق، ذوق و سلیقه، واقعیت‌ها، تأثیر گذاشته و جوانان را به سمت پذیرش فرهنگ جدید سوق داده است؛ فرایندی که در آن با جهانی شدن فرهنگی و با افزایش آگاهی، پیامدهایی چون بحران هویت، ناهنجاری‌ها، آسیب‌های اجتماعی، بروز انواع خشونت‌ها و... رخ داده است. (اوتا، ۲۰۰۱)؛ بنابراین روشن است که فرهنگ جهانی رسانه‌ای دارای استعداد ترویج خرده‌فرهنگ‌های زبانی خاص بین جوانان؛ و بخواهد آن‌ها را به‌سرعت منتقل کند و سازوکاری برای شکل‌گیری، نمایش،

بازنمایی و گفتگو پیرامون آن فراهم سازد را داراست و در بردارنده چیزی است که گیدنز (۱۹۹۰) آن را تکه‌برداری (بی‌ریشگی) روابط اجتماعی از طریق فاصله‌گذاری زمانی - فضایی و استفاده بازاندیشانه از دانش می‌نامد. این جریان بر بسترهای محلی و شخصی تجربه اجتماعی نیز تأثیر گذاشته و از این طریق باعث بر هم زدن رابطه سنتی میان زمان و فضا شده است. گسست از جامعه سنتی و ورود به جامعه مدرن، عالی‌ترین مرحله تجدد است، (گیدنز، ۱۹۹۴). وی نتیجه پویش مدرنیته را (بازاندیشانه) تلقی می‌کند که در بردارنده چیزی است که آن را تکه‌برداری (بی‌ریشگی) روابط اجتماعی از طریق فاصله‌گذاری زمانی - فضایی و استفاده بازاندیشانه از دانش می‌نامد (گیدنز، ۱۹۹۰) البته گیدنز اعتقاد دارد که معنای جهانی شدن این نیست که جامعه جهانی در حال یکپارچه شدن است. برعکس این پدیده در برخی ابعاد با تفرق و شقه‌شقه شدن روبروست تا اتحاد و یکپارچگی؛ به عبارت دیگر، فرآیند جهانی شدن فرآیند همگن‌ساز نیست بلکه فرآیندی تفکیک‌ساز است (سعیدی، ۸۵) یعنی همه‌چیز را باهم به صورت یکدست توسعه نمی‌دهد و از آن‌ها هم گریزی نیست. در مجموع جهانی شدن فرهنگ با جریانی پر قدرت از ارزش‌ها و هنجارها همراه است که با اشاعه‌ی آن‌ها از طریق درگاه‌های ارتباطی افسارگسیخته؛ سبب عبور آن‌ها از قاره‌ها و اقیانوس‌ها شده و به افراد در دورترین نقطه جهان می‌رسد. این اطلاعات چیزی نیست جز افکار، اندیشه‌ها و کم‌رنگ شدن معیارها، ارزش‌ها و هنجارهای سنتی و مقبول جامعه و شکل‌گیری هویت فرهنگی جدیدی مبنی بر اینکه افراد چه بخورند، چگونه زندگی کنند، چگونه فکر کنند و چگونه باهم حرف بزنند. در زیر مدل مفهومی پژوهش در تصویر شماره ۱ نشان داده شده است.



تصویر شماره ۱- مدل مفهومی پژوهش

۲-۳- فرضیه‌های پژوهش

- رواج و افزایش فرهنگ ناسزاگویی و خشونت کلامی در بین جوانان تابعی از عوامل مختلف اجتماعی، فرهنگی و فردی است.
- بین متغیرهای زمینه‌ای و میزان ناسزاگویی در گفتار رابطه وجود دارد.
- هرچه نمره شاخص پایگاه اقتصادی-اجتماعی بالاتر رود، انتظار می‌رود میزان ناسزاگویی در گفتار نیز کاهش یابد.
- هرچه میزان اعتماد اجتماعی بیشتر شود، انتظار می‌رود میزان ناسزاگویی در گفتار کمتر شود.
- هرچه میزان سرمایه فرهنگی در افراد بیشتر شود، انتظار می‌رود میزان ناسزاگویی در گفتار نیز کاهش یابد.

- هرچه میزان جهانی شدن فرهنگی در جامعه بیشتر شود، انتظار می رود میزان ناسزاگویی در گفتار نیز افزایش یابد.

۳- روش پژوهش

در پژوهش حاضر با توجه به شرایط و موضوع مورد بررسی، از روش کمی-پیمایشی برای دستیابی به نتیجه بهتر استفاده شده است. در این روش از پرسشنامه‌ی محقق ساخته در جهت جمع‌آوری داده‌ها استفاده شده است؛ که حاوی سؤالاتی درباره متغیرهای وابسته، مستقل و متغیرهای زمینه‌ای تحقیق است که به منظور اخذ نظرات نمونه‌ها درباره متغیرهای تحقیق تهیه و تنظیم شده است. به‌طور کلی اکثر سؤالات پرسشنامه به صورت سؤالات چندگزینه‌ای و در قالب طیف لیکرت از کاملاً موافق تا کاملاً مخالف، است که هر یک برای پاسخ به شاخص‌هایی تهیه شده‌اند. سؤالات مثبت از ۴ تا ۱ و سؤالات منفی از ۱ تا ۴ نمره‌گذاری شده‌اند. جامعه آماری پژوهش حاضر، کلیه جوانان و نوجوانان ۱۵-۳۴ سال ساکن شهر رشت می‌باشند که طبق اطلاعات سرشماری نفوس و مسکن سال (۱۳۹۰) برابر با ۲۴۵۹۳۲ نفر بوده است. با توجه به اینکه موضوع پژوهش حاضر جامعه شناختی است (ناسزاگویی در بین جوانان)، لذا واحد مشاهده و تحلیل، فرد (جوان) پاسخگو است. در این پژوهش برای تعیین حجم نمونه از فرمول (کوکران) استفاده شد؛ و بر اساس این فرمول حجم نمونه برابر با ۳۸۴ نفر بوده است. باین وجود، در پژوهش حاضر برای اطمینان بیشتر و رفع مشکلات احتمالی مانند پرسشنامه‌های بی پاسخ، پرسشنامه‌های گم شده و ... حجم نمونه ۴۰۰ نفر در نظر گرفته شد که در نهایت پس از بررسی، تعداد ۳۸۴ پرسشنامه کامل برای تجزیه و تحلیل باقی ماند.

$$n = \frac{N(t.s)^2}{Nd^2 + (t.s)^2} = \frac{245932 \times (1.96 \times 0.44)^2}{245932 \times (0.05)^2 + (1.96 \times 0.44)^2} = 384$$

در این فرمول:

$$N = \text{جمعیت جامعه آماری} \\ n = \text{حجم نمونه آماری،} \\ t = \text{فاصله اطمینان} \\ s = \text{انحراف معیار و} \\ d = \text{میزان دقت احتمالی مطلوب می باشد.}$$

روش نمونه‌گیری در پژوهش حاضر، نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای تصادفی بوده است. بدین ترتیب با استفاده از نقشه رشت و تقسیمات منطقه‌ای از سوی اداره آمار از تقسیمات سه‌گانه مناطق اجتماعی-اقتصادی (مرفه، متوسط و پایین)، محله‌هایی را در هریک از مناطق مذکور انتخاب شده است. مناطق مرفه شامل؛ معلم، گلزار و منظریه با لحاظ امکانات جزو مناطق بالا یا مرفه نشین شهر رشت هستند. میدان گاز، سعدی و شهرداری جزو مناطق متوسط نشین و مناطق پایین، یخ‌سازی، لاکانشهر و معلولین هستند. سپس، از بین مناطق، بلوک‌ها و کوچه‌ها، انتخاب شدند. در مرحله بعد خانه‌ها به‌طور تصادفی انتخاب شده و داده‌های موردنیاز پژوهش از طریق پرسشنامه از نمونه‌های موردنظر که جوانان بودند، جمع‌آوری شد. بدین ترتیب با استفاده از ابزارهای اندازه‌گیری پژوهش، داده‌های گردآوری شده موردبررسی قرار گرفته و سپس با توجه به سطوح اندازه‌گیری گویه‌ها داده‌ها کدگذاری و استخراج شده‌اند. پس از تشکیل ماتریس داده‌ها در نرم‌افزار Spss24، با بهره‌گیری از آماره‌های توصیفی و استنباطی به توصیف و تحلیل داده‌ها پرداخته شده است و پس از محاسبه ویژگی‌های اجتماعی-جمعیت شناختی نمونه پژوهش به ارائه‌ی شاخص‌های توصیفی و نمودارهای مربوط به متغیرهای اصلی پژوهش پرداخته شده است و از آماره‌های میانگین، انحراف معیار، واریانس، کشیدگی و چولگی استفاده شده است. در بخش روش‌های استنباطی، جهت بررسی روابط بین دو متغیر از آزمون‌های ضریب همبستگی پیرسون/ اسپیرمن و ... بهره گرفته شده است. در سنجش چند متغیره نیز از رگرسیون چندگانه استفاده شده است.

۳-۱- تعریف مفاهیم و عملیاتی کردن متغیرهای پژوهش

در این قسمت تعریف نظری و عملیاتی متغیرهای تحقیق که شامل متغیرهای مستقل و متغیر وابسته است، آورده می‌شود.

متغیر وابسته : ناسزاگویی، عبارت است از آشکار کردن امور زشت و ناپسند با الفاظ و عبارات صریح (نراقی، بی تا: ۳۵۱) به عبارت دیگر؛ انسان امور بد و زشت را به واسطه کلمات صریح و در بعضی موارد رکیک و زننده بیان کند و بیشتر اوقات به وسیله الفاظ مربوط به مسائل جنسی به کار می‌رود و افراد لابلالی و بی شرم و حیا آن عبارات را صریحاً بر زبان جاری می‌کنند. در این تحقیق ناسزاگویی با معرف‌هایی همچون دشنام، توهین و اهانت، تمسخر، تکیه کلام‌ها یا متلک‌ها، وقاحت، ادبیات مستهجن، افتراء، دست انداختن یا به سخره گرفتن لهجه یا گویش خاصی در قالب طیف لیکرت سنجیده شده است. به طوری که هر یک از معرف‌ها خود دارای چند گویه است.

متغیرهای مستقل

سرمایه فرهنگی: بوردیو سرمایه فرهنگی را دربرگیرنده تمایلات پایدار فرد می‌داند که در خلال اجتماعی شدن در فرد انباشته می‌شود. وی تحصیلات را نمودی از سرمایه فرهنگی می‌داند لیکن گرایش به اشیای فرهنگی و جمع شدن محصولات فرهنگی در نزد فرد را سرمایه فرهنگی می‌خواند (فاضلی، ۱۳۸۶: ۴۲). در این بررسی، مفهوم سرمایه فرهنگی در سه بعد تجسم‌یافته، نهادینه‌شده و عینیت یافته مورد بررسی قرار خواهد گرفت که شامل مؤلفه‌های عادت‌های مطالعه و خواندن، میزان تحصیلات پاسخگویان، فعالیت هنری موردعلاقه، نوع عادت‌های موردعلاقه‌ی هنری در خصوص مصارف فرهنگی، میزان هزینه

کردن برای خرید محصولات فرهنگی، رفتن به مراکز هنری. برای سنجش متغیر سرمایه فرهنگی گویه‌ها در قالب طیف لیکرت با گزینه‌های " بسیار زیاد، زیاد، کم، بسیار کم " مشخص شده‌اند. اعتماد: تروودی گور (۱۹۹۹)، اعتماد اجتماعی را پایه و اساس زندگی توأم با اخلاق - مسئولیت و نیکوئی می‌داند و معتقد است پیوندهای اجتماعی در سایه اعتماد شکل گرفته و ساخته می‌شود. در این پژوهش اعتماد اجتماعی در قالب سه شکل از اعتماد بنیادی، بین شخصی و نهادی مورد سنجش قرار می‌گیرد. اعتماد اجتماعی دربرگیرنده حداقل دو عنصر اساسی است: اعتماد کننده و اعتماد شونده. ممکن است که هم اعتماد کننده و هم اعتماد شونده، فرد، سازمان و یا گروه اجتماعی باشد؛ بنابراین با توجه به تحقیقات مرتبط و تئوری‌های عنوان شده، این شاخص‌ها به منظور سنجش اعتماد اجتماعی؛ در نظر گرفته شده است: صریح و باز بودن، سهیم کردن، حسن ظن، اعتماد به مردم (اعتماد به آشنایان، اعتماد به دوستان و ...)، دگر خواهی؛ اعتماد به گروه‌ها احزاب؛ تشکل‌های دانشجویی، رسانه‌های همگانی، نهادهای صنفی، صداقت. در این پژوهش، متغیر اعتماد اجتماعی به سه بعد اعتماد بین شخصی، اعتماد بنیادی و اعتماد نهادی تفکیک شده است. و برای سنجش آنها گویه‌ها به صورت ترتیبی و در قالب طیف لیکرت استفاده شده است. جهانی شدن فرهنگی: معمول شدن واژه «جهانی شدن فرهنگی» بیانگر دل‌مشغولی امروز ما به مسائل جهان در زمینه‌های مختلف است (رابرتسون، ۱۳۸۵). برای مفهوم جهانی شدن فرهنگی از مقوله‌های عینی، مانند تعاملات رسانه‌ای جهانی (میزان استفاده از اینترنت و رسانه‌های جمعی)، میزان واردات کالاهای فرهنگی (فیلم، موسیقی، کتاب، روزنامه)، الگوی جهانی کاربرد زبان (میزان ترجمه، آشنایی به زبان‌های دیگر) می‌توان استفاده نمود. گویه‌های این متغیر در سطح اندازه‌گیری رتبه‌ای و در قالب طیف لیکرت و با گزینه‌های "خیلی زیاد، زیاد، کم، خیلی کم" برای سنجش این متغیر استفاده شده است.

پایایی ابزار پژوهش حاضر، از طریق مطالعه مقدماتی و آلفای کرونباخ مورد ارزیابی قرار گرفته است. بدین منظور که قبل از اجرای پرسشنامه اصلی، ابزار اندازه‌گیری در اختیار

۳۰ نفر از افراد نمونه که معرف جامعه بوده و به صورت تصادفی انتخاب شده‌اند، قرار گرفت و سپس همبستگی درونی گویه‌ها از طریق آلفای کرونباخ مورد بررسی قرار گرفت. دامنه آلفای کرونباخ از ۰ تا ۱ است که هر چه به ۱ نزدیک‌تر باشد (آلفا مساوی یا بالای ۰/۷ باشد) نشان‌دهنده انسجام درونی گویه‌ها و همگنی بیشتر آن‌هاست. بدین ترتیب بر اساس جدول آلفای کرونباخ تمامی ابعاد، ضریب الفای بالاتر از ۰,۷ داشته‌اند و در دامنه ۰,۷۹ تا ۰,۹۲ قرار گرفتند.

همچنین اعتبار سازه‌ای از طریق تحلیل عاملی تأییدی به دست آمده است. هر بار عاملی در یک متغیر نشان‌دهنده میزان همبستگی آن متغیر با عامل مربوطه است. دامنه بار عاملی بین ۱- تا ۱+ نوسان دارد یعنی "هر چه مقدار بار عاملی یک متغیر در خصوص یک عامل بیشتر باشد، همبستگی آن متغیر با عامل مورد نظر، در مقایسه با سایر عامل‌ها بیشتر است" (منصور فر، ۱۳۸۵: ۲۶۶ - ۲۶۵؛ به نقل از حبیب پور و صفری، ۱۳۹۱: ۳۱۰). بدین ترتیب بارهای عاملی متغیرهای زیر، به ۱ نزدیک بوده و نشان‌دهنده این است که ابعاد سازه‌ها درست انتخاب شده‌اند.

۴- یافته‌های تحقیق

۴-۱- توصیف داده‌ها

نتیجه بررسی متغیرهای جمعیت شناختی، حاکی از آن است که از کل ۳۸۴ نفر، ۱۹۲ نفر (۵۰٪) از پاسخگویان مورد مطالعه را زنان و ۱۹۲ نفر (۵۰٪) را نیز مردان تشکیل می‌دهند. و ۱۹۵ نفر (۸/۵۰ درصد) مجرد و ۱۸۹ نفر (۲/۴۹ درصد) متأهل بوده‌اند. همچنین که از کل ۳۸۴ پاسخگو، ۴۷ نفر (۲/۱۲ درصد) از پاسخگویان زیر ۲۰ سال، یعنی در گروه سنی (۱۵ - ۱۸) بوده و ۱۶ نفر (۲/۴ درصد) از پاسخگویان بالاتر از ۳۰ سال، یعنی در گروه سنی (۳۰ - ۳۴) قرار دارند. در مورد سطح تحصیلات پاسخگویان است که بر این اساس ۴۱ نفر (۷/۱۰ درصد) از پاسخگویان زیر دیپلم؛ ۱۰۲ نفر (۶/۲۶ درصد) دیپلم؛ ۲۷ نفر (۷/۰ درصد) فوق دیپلم؛ ۱۴۱ نفر (۷/۳۶ درصد) لیسانس؛ ۵۶ نفر (۶/۱۴ درصد)

فوق لیسانس و ۱۷ نفر (۴/۴ درصد) دکتری می‌باشند. همچنین، ۹۶ نفر (۲۴/۹ درصد) از پاسخگویان دارای مرتبه شغلی خیلی کم مرتبه، ۴۲ نفر (۱۰/۹ درصد) کم مرتبه، ۵۱ نفر (۱۳/۲ درصد) میان مرتبه، ۱۴۰ نفر (۳۶/۴ درصد) بلندمرتبه و ۵۶ نفر (۱۴/۵ درصد) خیلی بلندمرتبه هستند.

۴-۲- یافته های استنباطی

آزمون فرضیه های پژوهش

بین عوامل اجتماعی و فرهنگی با ناسزاگویی در گفتار رابطه وجود دارد.

جدول ۱- عوامل اجتماعی و فرهنگی پیش‌بین مناسب واریانس ناسزاگویی در گفتار پاسخگویان

مدل	R ضریب تعیین ضریب	F ضریب تعیین ضریب	سطح معناداری
همزمان /۵۰	/۲۵	۸۲۰۷/۲۸۷	۲۰/۹۴۴
	/۲۳۸	۶	/۰۰۰

متغیرهای پیش‌بین: زیر مقیاس های عوامل اجتماعی و فرهنگی

متغیر ملاک: ناسزاگویی در گفتار

جدول ۲- آزمون رگرسیون تأثیرگذاری زیر مقیاس های عوامل اجتماعی و فرهنگی

بر ناسزاگویی در گفتار

مدل	ضرایب غیر استاندارد	ضرایب استاندارد	T ضریب معناداری	سطح ضرایب هم خطی

ضریب واریانس	ضریب تحمل	تورم	B برآورد ضریب خطا			بتا	مقدار عرض از مبدا
			۰/۰۰۰	۹/۲۲۸	۷/۲۳۱	۶۶/۷۳۱	
۱/۲۵۲	۰/۷۹۹	۰/۰۰۰	-۴/۰۳۶	-۲/۰۱	۰/۳۹	-۱/۵۶	اعتماد اجتماعی
۱/۲۲۹	۰/۸۱۳	۰/۰۰۰	-۳/۸۴۳	-۱/۹۰	۰/۴۳	-۱/۶۴	سرمایه فرهنگی
۱/۰۵۸	۰/۹۴۵	۰/۰۰۰	۴/۳۱۹	۱/۹۸	۰/۱۰۰	۰/۴۳۰	جهانی شدن

ضرایب بتا گزارش شده به ازای عوامل اجتماعی و فرهنگی نشان می‌دهد که بهترین پیش‌بین ناسزاگویی در گفتار به ترتیب، اعتماد اجتماعی (۰/۲۰۱)، جهانی شدن (۰/۱۹۸) و سرمایه فرهنگی (۰/۱۹۰) بوده است. بنابراین فرضیه پژوهش پذیرفته شده است.

جدول ۳- عوامل فردی پیش‌بین مناسب واریانس ناسزاگویی در گفتار

مدل	R ضریب تعیین	ضریب تعیین	درجه	F مجموع مربعات	F سطح معناداری
همزمان ۰/۴۸۲	۰/۲۳۲	۰/۲۲۴	۴	۱۱۴۴۸/۰۸۱	۲۸/۶۹۹

متغیرهای پیش‌بین: متغیرهای زمینه‌ای پاسخگویان

متغیر ملاک: ناسزاگویی در گفتار

جدول ۴- آزمون رگرسیون تأثیرگذاری زیر مقیاس‌های عوامل فردی بر ناسزاگویی
در گفتار

مدل	ضرایب غیر استاندارد		ضرایب استاندارد		T	سطح	ضرایب هم خطی
	B	برآورد	بتا	استاندارد			
مقدار عرض از مبدا	۱۱۱/۳۵۵	۸/۵۷۹			۱۲/۹۸۰	۰/۰۰۰	
جنسیت (۰: زن؛ ۱: مرد)	۶/۶۲۴	۲/۱۴۱	۰/۱۴۶	۳/۰۹۴	۰/۰۰۲	۰/۹۰۶	۱/۱۰۳
وضعیت تأهل (۰: مجرد؛ ۱: متأهل)	۱۳/۰۲۱ -	۲/۰۸۸	-۰/۲۸۷	-۶/۲۳۶	۰/۰۰۰	۰/۹۵۳	۱/۰۴۹
پایگاه اقتصادی و اجتماعی	۲/۰۰۷ -	۰/۲۹۳	-۰/۳۳۱	-۶/۸۵۴	۰/۰۰۰	۰/۸۶۷	۱/۱۵۳
سن	۱/۳۱۷ -	۰/۳۱۳	-۰/۱۹۰	-۴/۲۰۸	۰/۰۰۰	۰/۹۹۵	۱/۰۰۵

با توجه به جدول فوق، ضرایب بتا گزارش شده به ازای عوامل فردی نشان می‌دهد که بهترین پیش‌بین ناسزاگویی در گفتار به ترتیب، پایگاه اقتصادی و اجتماعی (۰/۳۳۱)، وضعیت تأهل (۰/۲۸۷)، سن (۰/۱۹۰) و جنسیت (۰/۱۴۶) بوده است. بنابراین فرضیه مذکور پذیرفته شده است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

آزمون فرضیه‌های فرعی پژوهش
پژوهشگاه علوم انسانی

جدول ۵- آزمون همبستگی بین متغیرهای مستقل و ناسزاگویی در گفتار

متغیرهای مستقل متغیر وابسته: ناسزاگویی در گفتار

ضریب همبستگی	سطح معناداری
سن	۰/۱۸۵** -۰/۱۸۵**
پایگاه اقتصادی-اجتماعی	۰/۳۰۵** -۰/۳۰۵**
اعتماد اجتماعی	۰/۳۲۸** -۰/۳۲۸**
سرمایه فرهنگی	۰/۳۱۵** -۰/۳۱۵**
جهانی شدن فرهنگی	۰/۲۶۳** ۰/۲۶۳**

همان‌طور که آزمون همبستگی پیرسن نشان می‌دهد، همبستگی معناداری بین متغیرهای مستقل: سن، پایگاه اقتصادی-اجتماعی، اعتماد اجتماعی، سرمایه فرهنگی پاسخگویان و متغیر وابسته: میزان ناسزاگویی در گفتار وجود دارد. به عبارتی دقیق‌تر سن پاسخگویان (با ضریب همبستگی: ۰/۱۸۵؛ سطح معناداری: ۰/۰۰۰)، پایگاه اقتصادی-اجتماعی پاسخگویان (با ضریب همبستگی: ۰/۳۰۵؛ سطح معناداری: ۰/۰۰۰)، اعتماد اجتماعی (با ضریب همبستگی: ۰/۳۲۸؛ سطح معناداری: ۰/۰۰۰)، سرمایه فرهنگی (با ضریب همبستگی: ۰/۳۲۸؛ سطح معناداری: ۰/۰۰۰) و میزان ناسزاگویی در گفتار همبستگی معکوسی گزارش گردیده است. که نشان می‌دهد با بالا رفتن سن پاسخگویان، پایگاه اقتصادی-اجتماعی، اعتماد اجتماعی و سرمایه فرهنگی پاسخگویان از میزان ناسزاگویی در گفتار کاسته شده و بالعکس با پایین آمدن متغیرهای ذکر شده بر میزان ناسزاگویی در گفتار افزوده می‌شود.

چنین یافته‌ای با سطح معناداری ۹۹ درصد پذیرفته می‌گردد. همچنین بر اساس آزمون همبستگی پیرسن، همبستگی معناداری بین جهانی شدن فرهنگی پاسخگویان و میزان ناسزاگویی در گفتار وجود دارد. به عبارتی دقیق‌تر بین جهانی شدن فرهنگی پاسخگویان و میزان ناسزاگویی در گفتار (با ضریب همبستگی: ۰/۲۶۳؛ سطح معناداری: ۰/۰۰۰) همبستگی مستقیمی گزارش گردیده است که نشان می‌دهد با بالا رفتن جهانی شدن فرهنگی پاسخگویان بر میزان ناسزاگویی در گفتار افزوده شده و بالعکس با پایین آمدن جهانی شدن فرهنگی پاسخگویان از میزان ناسزاگویی در گفتار کاسته می‌شود. چنین یافته‌ای با سطح معناداری ۹۹ درصد پذیرفته می‌گردد.

جدول ۶- آزمون مقایسه میانگین بین جنسیت پاسخگویان و میزان ناسزاگویی در

گفتار

جنسیت	فراوانی	میانگین	انحراف معیار	ضریب آزمون	درجه آزادی	سطح معناداری
زن	۱۹۲	۵۶/۴۵۸	۱۹/۹۲	-۴/۴۵۷	۳۸۲	۰/۰۰۰
مرد	۱۹۲	۶۶/۷۶۵	۲۴/۱۰			

همان‌طور که آزمون T-test نشان می‌دهد، تفاوت معناداری از نظر جنسیت پاسخگویان و میزان ناسزاگویی در گفتار وجود دارد. به عبارتی دیگر، میانگین‌های گزارش شده به ازای پاسخگویان (زن: ۵۶/۴۵؛ مرد: ۶۶/۷۶) تفاوت معناداری را در افراد زنان و مردان نشان می‌دهد و زنان از میزان ناسزاگویی کمتری در گفتار برخوردارند (ضریب آزمون: ۴/۴۵۷؛ سطح معناداری: ۰/۰۰۰) چنین یافته با سطح معناداری ۹۵ درصد پذیرفته می‌گردد.

جدول ۷- آزمون مقایسه میانگین بین وضعیت تأهل پاسخگویان و میزان ناسزاگویی در گفتار

وضعیت تأهل	فراوانی	میانگین	انحراف معیار	ضریب آزمون	درجه آزادی	سطح معناداری
متأهل	۱۸۹	۵۶/۵۶	۲۳/۱۸	۴/۳۹۹	۳۸۲	۰/۰۰۰
مجرد	۱۹۵	۶۶/۵۰	۲۱/۱۰			

همان‌طور که آزمون T-test نشان می‌دهد، تفاوت معناداری از نظر وضعیت تأهل پاسخگویان و میزان ناسزاگویی در گفتار وجود دارد. به عبارتی دیگر، میانگین‌های گزارش شده به ازای پاسخگویان (مجرد: ۶۶/۵۰؛ متأهل: ۵۶/۵۶) تفاوت معناداری را در افراد مجرد و متأهل نشان می‌دهد و افراد متأهل از میزان ناسزاگویی کمتری در گفتار برخوردارند (ضریب آزمون: ۴/۳۹۹؛ سطح معناداری: ۰/۰۰۰) چنین یافته با سطح معناداری ۹۵ درصد پذیرفته می‌گردد.

جدول ۸- مدل رگرسیون گام به گام تأثیرگذاری عوامل اجتماعی و فرهنگی در پیش‌بینی ناسزاگویی در گفتار

مدل	R ضریب تعیین	F ضریب تعیین	تعیین استاندارد درجه آزادی	مجموع مربعات	F ضریب	سطح معناداری
گام به گام	۰/۴۹۷d	۰/۲۴۷	۰/۰۲۳	۴	۱۲۱۵۸/۹۳۷	۳۱/۰۶۵

همان‌طور که مدل رگرسیون گام‌به‌گام نشان می‌دهد، عوامل اجتماعی و فرهنگی (متغیرهای اعتماد اجتماعی، جهانی شدن و سرمایه فرهنگی) توانسته‌اند ۲۵ درصد از واریانس ناسزاگویی در گفتار را پیش‌بینی نمایند.

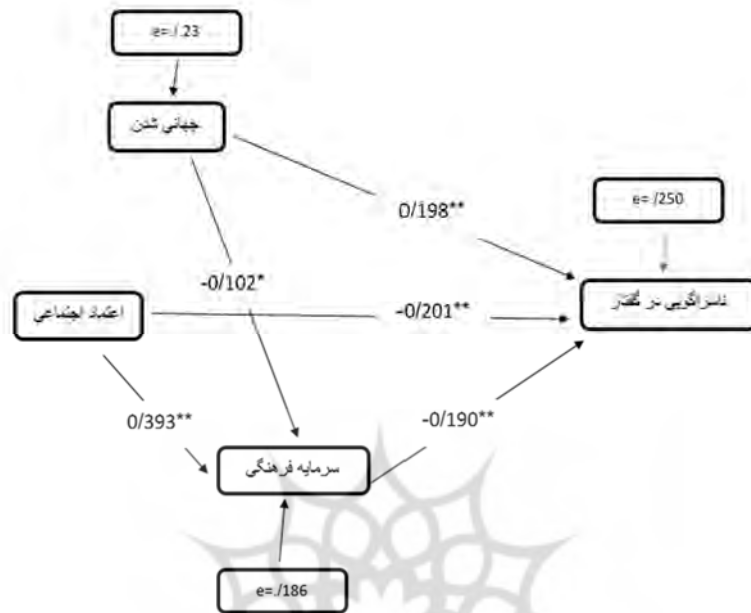
جدول ۹- آزمون رگرسیون تأثیرگذاری زیر مقیاس‌های عوامل اجتماعی و فرهنگی بر ناسزاگویی در گفتار

سطح معناداری	ضریب T	ضرایب استاندارد		مدل
		ضریب B	بِرآورد خطا	
۰/۰۰۰	۱۱/۷۱۵	۶۹/۷۶۵	۵/۹۵۵	مقدار عرض از مبدا
۰/۰۰۰	-۴/۳۰۵	-۰/۱۶۴	۰/۰۳۸	اعتماد اجتماعی
۰/۰۰۰	۴/۴۹۳	۰/۴۴۲	۰/۰۹۸	جهانی شدن
۰/۰۰۰	-۳/۹۱۳	-۰/۱۶۵	۰/۰۴۲	سرمایه فرهنگی

با توجه به جدول فوق نکات ذیل برای ما روشن می‌شود که: به ازای عوامل اجتماعی و فرهنگی، متغیر اعتماد اجتماعی برابر با (-۰/۲۱۲)، متغیر جهانی شدن با اثر (۰/۲۰۴) و متغیر سرمایه فرهنگی با اثر (-۰/۱۹۲) بهترین پیش‌بین ناسزاگویی در گفتار می‌باشند.

۴-۳- تحلیل مسیر

تصویر شماره ۲-



شوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 رتال جامع علوم انسانی
 جدول شماره ۱۰- تحلیل مسیر مستقیم، غیر مستقیم و مسیر کل

متغیرها	مسیر مستقیم	مسیر غیر مستقیم	مسیر کل
اعتماد اجتماعی -> ناسزاگویی	-۰/۲۰۱	۰/۰۷۴۷	۰/۲۷۵
جهانی شدن -> ناسزاگویی	۰/۱۹۸	۰/۰۲۲۳	۰/۲۲۰
سرمایه فرهنگی -> ناسزاگویی	-۰/۱۹۰	-	۰/۱۹۰
اعتماد اجتماعی -> سرمایه فرهنگی	۰/۳۹۳	-	۰/۳۹۳

جهانی شدن - سرمایه فرهنگی	۰/۱۰۲-	۰/۰۱۵۶	۰/۱۱۷
---------------------------	--------	--------	-------

همان‌طور که تحلیل مسیر این پژوهش نشان می‌دهد، ناسزاگویی تحت تأثیر مستقیم اعتماد اجتماعی (۰/۲۰۱)، جهانی شدن (۰/۱۹۸) و سرمایه فرهنگی (۰/۱۹۰) قرار دارد. در مسیر غیرمستقیم اعتماد اجتماعی با تأثیرگذاری مستقیم بر سرمایه فرهنگی (۰/۳۹۳) تأثیر غیرمستقیمی بر ناسزاگویی در گفتار دارد (۰/۰۷۴۷). جهانی شدن با تأثیرگذاری مستقیم بر سرمایه فرهنگی (۰/۱۰۲) تأثیر غیرمستقیمی بر ناسزاگویی در گفتار دارد (۰/۰۲۲۳).

۵- بحث و نتیجه گیری

فحاشی و دشنام یکی از پدیده‌های ناهنجار در مناسبات اجتماعی به شمار می‌رود؛ آن‌چنان‌که در میان برخی از طبقات و اقشار اجتماعی به‌ویژه جوان، فحش و ناسزاگویی به عنوان یک فرهنگ درآمده است و متأثر از عوامل فردی، اجتماعی و فرهنگی گاه به عنوان یک امر ارزشی تلقی می‌شود. در این راستا هدف اصلی این پژوهش بررسی عوامل فردی، اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر شیوع ناسزاگویی در گفتار بوده است. در حقیقت این پژوهش سعی نمود به این پرسش اساسی پاسخ دهد که آیا می‌توان تغییرات پاسخگویان از نظر ناسزاگویی در گفتارشان را منوط به ویژگی‌های اجتماعی، فرهنگی و فردی‌شان دانست؟ برای پاسخ به این سوال و دیگر سوالات پژوهش، از مبانی نظری و چارچوب نظری استفاده شد. مدل نظری پژوهش با استفاده از چارچوب نظری حاصل شد. در پژوهش حاضر، جهت تبیین ارتباط بین متغیرهای تحقیق، ارتباط و میزان تأثیرگذاری هر متغیر در تعیین متغیر وابسته از آزمون‌های

تحلیلی برای آزمون فرضیه‌ها و تبیین عوامل مؤثر استفاده‌شده است؛ که در ادامه نتایج آن‌ها مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد.

یکی از متغیرهای این پژوهش **اعتماد اجتماعی** است. اعتماد اجتماعی یکی از مهم‌ترین ارکان تأثیرگذار در استفاده و یا عدم استفاده از ناسزا در گفتار به شمار می‌رود. به گونه‌ای دقیق‌تر، زمانی که فرد به دیگران احترام گذارده، اطرافیان خویش را به خوبی شناخته، بر این باور است که می‌توان به دیگران اعتماد نمود، اطرافیان خویش را صاف، ساده و معتمد ادراک می‌کند، دارای ارزش‌های نو دوستانه است، کمتر به سراغ ناسزاگویی رفته و از این ادبیات در گفتار خویش استفاده نمی‌کند، بالعکس آن دسته از افرادی که اصلاً به دیگران اعتماد ندارد، ارزش‌های نوع دوستانه در وی تضعیف گردیده است، بر این باور است که همه افراد به دنبال منفعت شخصی خودشان هستند و باینکه ظاهر و باطن افراد فرق معناداری باهم دارد، میزان استفاده از ادبیات ناسزاگویی در وی به‌طور معنادار

ی افزایش می‌یابد. بر اساس یافته‌های تحقیق بین اعتماد اجتماعی پاسخگویان و میزان ناسزاگویی در گفتار همبستگی معکوسی گزارش گردیده است که نشان داد با بالا رفتن اعتماد اجتماعی پاسخگویان از میزان ناسزاگویی در گفتار کاسته شده و بالعکس با پایین آمدن اعتماد اجتماعی پاسخگویان بر میزان ناسزاگویی در گفتار افزوده می‌شود. این فرضیه با نظریه فوکویاما و ایوا کاکس در مورد اعتماد اجتماعی همخوانی دارد، به عقیده آنان، شرط اساسی برای یک جامعه سالم، اعتماد اجتماعی متقابل بین اعضا است. به گونه‌ای که هر چه میزان اعتماد اجتماعی کمتر باشد میزان پابندی به ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی کمتر بوده و در نتیجه ناهنجاری‌های اخلاقی و رفتاری بیشتر می‌شود. (کارکنان نصرآبادی و همکاران، ۱۳۹۱).

در کنار متغیرهای یاد شده، متغیر **سرمایه فرهنگی همبستگی معکوسی** با میزان ناسزاگویی در گفتار دارد. به عبارت بهتر نتایج نشان داد که هر چقدر میزان سرمایه

فرهنگی پاسخگویان بالاتر باشد میزان ناسزاگویی در گفتار کاهش می یابد و بالعکس. در واقع برخورداری از سرمایه فرهنگی بالاتر در حکم عاملی بازدارنده مانع استفاده فرد از ادبیات ناسزاگویانه در گفتار می گردد. آن دسته از افرادی که از میزان فعالیت‌های علمی، آموزشی و فرهنگی بالاتری برخوردار هستند، با گسترش شناخت، ارزش‌های متعالی، تمییز مناسب الگوهای رفتاری و کلامی بهنجار و نابهنجار دقت بالایی در ادبیات مورد استفاده خویش دارند، در حقیقت میزان فعالیت‌های فرهنگی آن‌ها به این افراد شناخت و درکی را اعطاء می نماید که به خود اجازه نمی دهند در هر مکانی از ادبیات ناسزا استفاده نمایند. در بعدی دیگر، آن دسته از افرادی که از سرمایه فرهنگی پایین تری برخوردار هستند، به دلیل کمی فعالیت‌های فکری، هنری و شناختی که دارند، قادر نیستند، اهمیت استفاده از ادبیات بهنجار در گفتار را تشخیص دهند و شخصیت آن‌ها به سمت ادبیات ناسزاگویانه بیشتر سوق می یابد. نتایج این یافته با نظریه بوردیو درباره سرمایه فرهنگی همخوانی دارد. از منظر بوردیو سرمایه فرهنگی و اقتصادی خانواده بر رفتارها، ترجیحات و نگرش‌ها، انگیزه‌های رفتاری انحرافی مانند به‌کارگیری الفاظ ناشایست و زشت، توهین به دیگران و انحرافات جنسی و ...، تأثیر می گذارد (مجدی و همکاران، ۱۳۸۹) و جنبه‌های مقاومتی این مسئله در برابر هنجار مسلط خود را در قالب شکستن تابوهای کلامی نشان می دهند.

یکی دیگر از عوامل تأثیرگذار بر ناسزاگویی در گفتار جهانی شدن فرهنگی است، که همبستگی مستقیمی با میزان ناسزاگویی در گفتار دارد. در واقع با بالا رفتن جهانی شدن فرهنگی پاسخگویان بر میزان ناسزاگویی در گفتار افزوده شده و بالعکس با پایین آمدن آن از میزان ناسزاگویی در گفتار کاسته می شود. در واقع با رسوخ فرهنگ جهانی ارزش‌های غربی و بیگانه با ارزش‌های بومی نیز در بین افراد جامعه گسترش می یابد، نگاهی گذرا به فرهنگ غربی بخصوص فرهنگ برآمده از رسانه‌های گروهی غرب که تمرکز بالایی بر ادبیات مستهجن، مصرفی و جهت‌دار دارد، حاکی از آن است که در

چنین ادبیاتی به‌عنوان مثال فیلم‌های هالیوودی، ترانه‌های رپ، راک و جاز، ناسزاگویی به‌عنوان یک ارزش پذیرفته‌شده، رواج یافته و آن دسته از افرادی که از فرهنگ غربی - جهانی شدن فرهنگی با استیلای فرهنگ غرب - تبعیت می‌کنند، با افزایش میزان مواجهه و مصرف ناسزا در پیام‌های دریافتی، ارزش مذکور را در خویش نیز درونی نموده و آن را در ادبیات محاوره نیز استفاده می‌کنند. مطالعه محققى مانند اوتا (۲۰۰۱)، نیز به‌نوعی با نتیجه پژوهش حاضر هم‌جهت است. وی در مطالعه خود نشان داده که جهانی شدن علاوه بر تاثیر در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، مهم‌ترین تأثیرش در زمینه‌ی فرهنگی بوده است. از این رو به دلیل ایجاد تغییر در ارزش‌های دینی و سنتی، شیوه‌های تفکر، مفاهیم و اعتقادات و... اقشار مختلف به‌ویژه جوانان، فرهنگ سنتی و بومی خویش را مانند هنجارها، ارزش‌ها، آداب و رسوم، زبان‌ها و ... به دلیل پذیرش عناصر فرهنگی جدید به حاشیه رانده‌اند. فرآیندی که در آن با جهانی شدن فرهنگی و با افزایش آگاهی، پیامدهایی چون بحران هویت، ناهنجاری‌ها، آسیب‌های اجتماعی، بروز انواع خشونت‌ها و ... رخ داده است.

بدین ترتیب می‌توان گفت عوامل اجتماعی و فرهنگی نقش بیشتری در شیوع ناسزاگویی در گفتار، مورد مطالعه در این تحقیق (جوانان سطح شهر رشت) را دارا هستند. اعتماد اجتماعی، جهانی شدن فرهنگی و سرمایه فرهنگی؛ به ترتیب از مهم‌ترین متغیرهایی هستند که بر ناسزاگویی در گفتار تأثیر دارند. هم‌چنین بر اساس یافته‌های پژوهش در بین عوامل فردی به ترتیب: پایگاه اقتصادی و اجتماعی، وضعیت تأهل، سن و جنسیت نیز بر شیوع ناسزاگویی در گفتار تأثیر دارند. نتیجه پژوهش حاضر، با نتایج تحقیقات مابشرنیا و همکاران (۲۰۱۲)، آلموتاق (۲۰۱۳) هم‌جهت است. نتایج تحقیقات آن‌ها نشان می‌دهد سطح تحصیلات پاسخگویان، میزان تحصیلات والدین، میزان وقت سپری‌شده در خیابان، کافه، جامعه‌پذیری در گروه دوستان تأثیر معناداری بر استفاده از زبان دشنام در بین جوانان دارد.

در جمع‌بندی نهایی بر اساس یافته‌های کلی مطالعه‌ی حاضر می‌توان چنین نتیجه گرفت که میزان بی‌اخلاقی در سطوح مختلف جامعه و مبدل شدن آن به فرهنگ عمومی که نشان‌دهنده ناسازگاری و مخالفت با ساختار اجتماعی است، خود را از طریق مصادیق مختلف از جمله بهنجار شدن ناسزاگویی در خرده‌فرهنگ جوانان نشان می‌دهد. با توجه به یافته‌های تحقیق حاضر و در پی پاسخ به پرسش‌های کلی و جزئی این تحقیق می‌توان گفت که ناسزاگویی در بین جوانان به صورت نیرومند و تأثیرگذار رو به تزايد است چرا که در پس زمینه آن کنش‌های بسیار قوی وجود دارد. طبق یافته‌های تحقیق ناسزاگویی به مثابه شیوه‌ی مخصوص ارتباط گاه صمیمی و گاه دگر ستیز، نه تنها شامل الفاظ طبقه‌بندی شده است بلکه طبقه‌بندی شده فرد در شیوه‌های معاشرت و آداب سخن گفتن است. همچنین تغییر در تعاملات و افزایش ناسزاگویی در گفتار می‌تواند از عوامل مختلفی که ریشه در میدان‌های مختلف دارند، ناشی شود. از جمله‌ی این عوامل سرمایه‌ی اجتماعی چون اعتماد و سرمایه‌ی فرهنگی افراد و به‌ویژه جوانان در جامعه است که می‌توان به آن اشاره داشت. در این بین سرمایه‌ی فرهنگی از جهاتی فراتر از سرمایه‌های اقتصادی و اجتماعی به بازتولید نابرابری در جامعه پرداخته و مرزهای قشربندی در بین آحاد جامعه محسوس‌تر می‌شود و این امر زمینه‌ی کنش‌ها و تعاملات کلامی غیراخلاقی را فراهم می‌آورد که نتیجه آن افزایش خشونت‌های کلامی است. سرمایه فرهنگی خانواده نقش پررنگی در گرایش افراد به شیوه‌ها و صور خاص در سخن گفتن داراست. همان‌گونه که در نتایج این تحقیق مشاهده شد افرادی که سرمایه فرهنگی پایینی دارند، جهان‌بینی آنان به دلیل فقر سرمایه فرهنگی، نسبت به جامعه، هویت گروهی، دینی، بدنی و... منفی و یا خنثی است و در نتیجه در تعاملات خود دچار ناهنجاری شده که به اشکال مختلف مانند انواع خشونت‌ها به‌ویژه ناسزاگویی در گفتار با رگه‌های توأمان صمیمیت و خشونت بروز می‌یابد. می‌توان گفت هر نوع کنش گفتاری که گاه از یک حرکت توأم با زبان بدن مانند اخم یا چشم‌غره و تهدید شروع می‌شود و به دشنام، توهین، تمسخر، تکیه کلام‌ها یا متلک، وقاحت و کلمات

مستهجن، به عنوان ابعاد حرف‌های ناپسند و فحاشی تا رفتارهای خشونت‌بار جسمی و ضرب و جرح و ...؛ ختم می‌شود، در بسیاری از موارد از سرمایه فرهنگی خانواده و محیطی که در فرد در آن پرورش یافته سرچشمه می‌گیرد و آن الگوهای رفتاری در فرد درونی شده، و بر کنش‌ها، ترجیحات و نگرش‌ها، انگیزه‌های رفتاری انحرافی مانند به‌کارگیری الفاظ ناشایست و زشت، توهین به دیگران و ...، تأثیر می‌گذارد و گاه این الگوهای رفتاری به صورت واکنش‌های مقاومتی در برابر هنجار مسلط خود را در قالب شکستن تابوهای کلامی نشان می‌دهند.

نکته قابل توجه آن است که آهنگ و طرز بیان کلمات مستهجن که در فحاشی به کار می‌رود معنای این کلمات را عوض کرده و آن‌ها را از فحش یا توهین به اظهار محبت شدید مبدل می‌سازد. این واژه‌های ناسزاگونه به تقویت حلقه‌ی اجتماعی جوانان نیز کمک می‌کند به طوری که الفاظ ناسزا به شناسنامه خرده‌فرهنگ آنان مبدل می‌گردد. حال در این بین عوامل مهمی در افزایش ناسزاگویی در گفتار نقش دارند. برای نمونه؛ گسترش شبکه‌های اجتماعی مجازی با بالاترین سطح تأثیرگذاری برافزایش ناسزاگویی حاکی از آن است که این فضا با میسر ساختن کنش ارتباطی آزادانه‌تر، فضایی ایجاد کرده است که در آن ارتباطاتی بر اساس هویتی گمنام و حتی جعلی و گاه بدون هیچ‌گونه محدودیتی شکل می‌گیرند. ثمره‌ی این ارتباط ایجاد یک‌زبان خاص و یا تغییر در نوع گفتار اصلی در تعاملات واقعی است. به عبارت دیگر شبکه‌های اجتماعی رهایی از محدودیت‌های ارتباطی را در دنیای واقعی فراهم می‌سازد؛ فضا و شرایطی که در آن افراد آزادانه و بدون کوچک‌ترین ابایی می‌توانند به ناسزاگویی بپردازند. در این رابطه بحران هویت فرهنگی در سایه جهانی شدن به شکل‌های متنوعی ظاهر می‌شود و این امر بر عوامل متعددی چون مؤلفه‌های فرهنگی و روحیات و کیفیات تعامل کلامی جوانان مؤثر افتاده است. بحثی که در علوم اجتماعی وجود دارد این است که جامعه متأثر از رخداد جهانی شدن، مجموعه‌ای از تناقض‌ها و تعارضات است. جامعه‌ی مدرن جامعه‌ای است

که نابرابری با برابری و یا میل به برابری همزیستی دارد، فقر با ثروت در حال زیست مستمر است و نهایتاً خشونت و عدم خشونت هم با هم زندگی می‌کنند. این نوع تعبیر متناقض در جامعه مدرن به ما این اجازه را می‌دهد که بگوییم در زندگی اجتماعی مدرن: نابرابری، فساد و خشونت‌های کلامی بیش از حد متعارف بوده و بیشتر یک امر مستمر است.

همان‌طور که بوردیو (۱۹۹۵) عنوان می‌کند، مالکیت سرمایه فرهنگی تنها از سرمایه مادی حکایت نمی‌کند، بلکه سرمایه فرهنگی ناشی از شرایط خانوادگی یا مدرسه‌ای تا حدی مستقل از سرمایه اقتصادی عمل می‌کند. سرمایه فرهنگی حتی کمبود پول را به عنوان بخشی از راهکار فرد یا گروه برای تعقیب و دستیابی به قدرت و منزلت اجتماعی جبران می‌کند.

منابع فارسی

- بارکر، کرین (۱۳۹۱)، مطالعات فرهنگی: نظریه و عملکرد، ترجمه: مهدی فرجی و نفیسه حمیدی، تهران، نشر پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- بازرگان، زهرا؛ صادقی، ناهید؛ لواسانی، غلامعلی (۱۳۸۲)، بررسی وضعیت خشونت کلامی در مدارس راهنمایی شهر تهران: مقایسه نظرات دانش آموزان و معلمان، دوره ۳۳، شماره ۱.
- حبیب پور، کرم؛ صفری، رضا (۱۳۹۱)، راهنمای جامع کاربرد Spss در تحقیقات پیمایشی (تحلیل داده‌های کمی)، تهران، انتشارات متفکران.
- رابرتسون، رونالد (۱۳۸۵)، جهانی‌شدن: نظریه‌های اجتماعی و فرهنگ جهانی، ترجمه کمال پولادی، تهران، انتشارات ثالث.

- سعیدی، رحمان (۱۳۸۵) جهانی شدن اقتصاد. رشد و آموزش علوم اجتماعی، شماره ۴.
- شریفیان ثانی، مریم (۱۳۸۰)، سرمایه اجتماعی، مفاهیم اصلی و چارچوب نظری، فصلنامه علمی و پژوهشی رفاه اجتماعی، سال ۱، شماره ۲، ص ۱۸ - ۵.
- شهابی، محمود (۱۳۸۲)، جهانی شدن؛ خرده‌فرهنگ‌های جوانان در عصر جهانی شدن، علوم اجتماعی، مطالعات جوانان، شماره ۵، ۲ - ۲۲.
- شیانی، ملیحه؛ محمدی، محمد علی، (۱۳۸۶)، تحلیل جامعه‌شناختی احساس آنومی اقتصادی در میان جوانان، فصلنامه رفاه اجتماعی، شماره ۲۵، ۳۷-۱۱.
- فاضلی، محمد (۱۳۸۶)، جامعه‌شناسی مصرف موسیقی، پژوهشگاه فرهنگ و هنر ارتباطات، تهران.
- فوکویاما، فرانسیس (۱۳۷۹)، پایان نظم، ترجمه غلام عباس توسلی، تهران، انتشارات جامعه ایرانیان.
- کارکنان نصرآبادی، محمد؛ جعفرپور، مرتضی؛ پروری آرانی، زینب (۱۳۹۱) عوامل موثر بر سرمایه فرهنگی در شهرستان کاشان و آران و بیدگل، علوم اجتماعی، مطالعات فرهنگی و ارتباطات، شماره ۲۷، علمی - پژوهشی، ۱۷۱ - ۱۴۳.
- کریمی، فاطمه (۱۳۹۰)، بررسی انواع خشونت کلامی و عوامل پدیدآورنده آن از نظر دانش آموزان و معلمان، پژوهشنامه حقوقی، سال دوم، شماره دوم، ۱۰۲ - ۸۵.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۰) جهان رهاشده: گفتارهایی درباره یکپارچگی جهانی، ترجمه علی‌اصغر سعیدی یوسف حاجی عبدالوهاب، تهران، علم و ادب.

- مجدی، علی اکبر؛ صدر نبوی، رام پور؛ بهروان، حسین؛ هوشمند، محمود (۱۳۸۹)، سبک زندگی جوانان ساکن مشهد و رابطه آن با سرمایه فرهنگی و اقتصادی والدین، مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۶۱ - ۱۳۱.
- نراقی، ملأ محمد مهدی، جامع السعادات، ج ۱، ص ۳۵۱، نشر اعلمی، بیروت، چاپ چهارم، بی تا.
- وحید، فریدون؛ کلاتری، صمد؛ فاتحی، ابوالقاسم (۱۳۸۲)، رابطه سرمایه اجتماعی با هویت اجتماعی دانشجویان (گروه علوم اجتماعی دانشگاه اصفهان)، مجله پژوهشی دانشگاه اصفهان، شماره ۲.

منابع لاتین

- Almutlaq Husein (2013). A Sociolinguistic Study of Terms of Oaths in Jordanian Arabic, International Journal of Humanities and Social Science, Vol. 3 No. 21: 225-229.
- Bourdieu P. (1991) Language and Symbolic Power, Cambridge: Harvard University Press.
- Bourdieu, P. (1995). The field of cultural production, Cambridge: Polity Press.
- Das. Dr. Biswajit, Jyoti Shankar Sahoo (2011), Social Networking Sites – A Critical Analysis of Its Impact on Personal and Social Life, International Journal of Business and Social Science Vol. 2 No. 14 www.ijbssnet.com.
- Fukuyama. F. (1995) Trust: the Social Virtues and Creation of Personality, New York, free press.
- Gagliardone Ibibio, Danit Gal, Thiago Alves, Gabriela Martinez(2015), COUNTERING ONLINE HATE SPEECH, Published by the United Nations Educational, Scientific and Cultural Organization place de Fontenoy, 75352 Paris 07 SP, France UNESCO.
- Ghanea Nazila(2012), The Concept of Racist Hate Speech and its Evolution over time, Paper presented at the United Nations Committee on the Elimination of Racial Discrimination's day of thematic discussion on Racist Hate Speech 81st session, 28 August 2012, Geneva.
- Giddens, A. (1994), "Living in a Post- Traditional Society" in, Beck, Giddens and Lash: Reflexive Modernization.

- Giddens, Anthony (1990) the consequences of modernity, London, Polity Press.
- "globalization" Comparative Education Review, 46(4), 497-508.
- Govier Trudy (1999), Trudy Gover, Social Trust and Human Communities , The Journal of Value Inquiry 33 : 429 – 433. Montreal : McGill-Queens University Press , 289 PP . (indexed) . ISBN PB 0-7735-1680-8,US\$ 19.95 .
- Johnson, D. I. & Lewis, N. (2010). Perceptions of swearing in the work setting: An expectancy violations theory perspective. Communication Reports, 23(2), 106-118.
- Korostelina, K. (2014). Intergroup Identity Insults: A Social Identity Theory Perspective. Identity, 14(3), 214-229.
- Lin Chi-Shiou, Yi-Fan Chen (2012), The Influences of Online Cultural Capital on Social Tagging Behavior, Journal of Library and Information Studies 10:2 (December), p.21-37.
- Macros, J., and McCabe, M. (2001) Relationships between identity and self – Representation during adolescence. Journal of Youth and Adolescence. Vol 30, No5.
- Mobashshernia Reza, Maryam Shariatzadeh Langrudi, Jafar Ghasemi (2012). Investigation of the Effect of Linguistic, Psychological and Social Factors on the Use of Swearwords by University Students, J. Basic. Appl. Sci. Res. 2(8)8209-8213.
- Ota Norio (2001), Impact of globalization on Japanese language and culture, York University.
- Rassin, E. & Muris, P. (2005). Why do women swear? An exploration of reasons for and perceived efficacy of swearing in Dutch female students. Personality and Individual Differences, 38(7), 1669-1674.
- Rothstein B. and Uslaner E. M. (1999), "All for All: Equality and Social Trust" Working Paper No. 117, Center for European Studies.Routledge.
- Simpson, E. Duarte, J. & Bishop, B. (2016). When Moms Say Bad Words: Family and Peer Influence on the Frequency of Swearing. University of Central Florida Undergraduate Research Journal, 8(2).
- Tian, F. H. N. (2014). The use of english swear words among chinese youths/Tian Huey Ni Fanny. University of Malaya.
- Vingerhoets, A. J. Bylsma, L. M. & De Vlam, C. (2013). Swearing: a biopsychosocial perspective. Psihologijske teme, 22(2), 287-304.
- Zahid, D. (2007). Impact of Cultural Globalization on the Upper Class Youth in Dhaka City: A Sample Study. Bangladesh e-Journal of Sociology, 4, 45-56.
<http://www.bangladeshsociology.org/Impact%20of%20Cultural%20Globalization4.2.pdf>.